

ن: ولی عبدالله

## مه می لوم، مشک روغو نه میله

### هفت ثور؟؟؟

انقلاب، کودتا، فاجعه و یا هم روزیکه حتی یکی از اعضای بیروی سیاسی آن از عضویت خود در آن حزب از امواج رادیوی پر اوازه بی بی سی در برابر یک ملت تقریباً ۲۵ میلیونی اعتراف میکند که در سالهای ۷۲ به آن روند به دلیل غیر عقلانی بودنش کشانیده شده بود.

رفیق فرید مزدک عضو بیروی سیاسی حزب وطن و منشی سازمان جوانان افغانستان در حقیقت اعتراف میکند که تا سالهای ۱۹۹۲ یعنی ۲۰ سال بعد هم تا زمانیکه به زور جهاد و نیرنگ ایتلاف شمال از قدرت بر کنار میشود عقلانی نمی اندیشید.

این اقا بلاخره بتاریخ ۷ ثور سال ۲۰۱۲ یعنی تقریباً نیم قرن بعد به سن بلوغ میرسد و به اصطلاح خودش عقلانی فکر میکند و به سوالات همتای کوچولو - این هم سنگر عسکر گریزش اش خبر نگار معروف - اصف معروف به حقیقت پرانی های هفت ثور میپردازند. اقای معروف چپ گرایی های آن زمان را طی سوالی ( مود روز ) خطاب میکند و مصاحبه شونده هم با همان عرف پیرانه غیر عقلانی اش این اصطلاح را با پاسخ ( چــــرا نــــه ) تایید میکند.

در حقیقت این دو آقای بی حافظه فراموش کرده اند که چپ گرایی های احزاب سیاسی آن زمان عکس العمل در برابر فقر، گرسنگی، بیکاری، بی سوادگی، مرض، فساد اداری، و عقیم بودن نظام فرسوده شاهی بود که بهترین اقشار مبارز کشور را از سهم گیری عملی در آبادی کشور شان ممانعت میکرد.

اقا فرید مزدک به غیر عقلانی بودن خود اکتفا نکرده بلکه چند گام بیشتر می تازد و در همین موقع خوب بدست آمده اش از طریق رادیوی شرافتمند! بی بی سی اعتراف میکند که از گذشته

هایش حتی اظهار تاسف و شرمنده گی میکند که در جریانات سیاسی سالهای ۸۰ دست یا شرکت داشته بود .

من به عنوان یک ژورنالیست و شاهد عینی حوادث آن زمان حدس میزنم که آقای مزدک نسبت به مسایل آن زمان که از شرکت در جریانات دهه ۸۰ اظهار شرمنده گی و خجالت میکشد را کاملاً شخصی فکر میکند، اما به عنوان یک حزب حاکم کشور جهان سوم فراموش میکند که از مرزهای خیرخانه و چهار اسباب به آن سو تا اسلام اباد، عربستان سعودی، لندن و واشنگتن سوگند یاد شده بود که آن نهضت را به هر قیمت ایکه باشد بد نام و از پا در آورند، و از مرکب تا مجاهد از عرب تا انگلیس از مطبوعات تا دالر و ستنگر در برابر آن نهضت دارای آرمانهای مقدس ملی و انسانی آن رژیم، بیرحمانه و ظالمانه به مقاومت پرداختند.

رفیق مزدک به انحرافات درونی حزبی ( فریکسیون ) اش در سالهای ۸۵ که یکی از عوامل شکست درونی حزب وطن و بعداً بوجود آمدن ایتلاف شمال شد نیز اشاره مینماید و زیرکانه آن را چنان توجیه میکند - که بعد از ۲۰ سال مهاجرت سیاسی در غرب ادعا میکند که وی حتی ۲۷ سال قبل از امروز به اندیشه های غربی آراسته بود. اما قرار معلوم این مبارز ملی و بین المللی در زمام قدرت اش هیچ اقدام عملی اشکار علیه اندیشه های فکری - تحمیلی آن وقت از خود نشان نداد مگر اینکه بار اول از طریق به اصطلاح رادیوی جهانی پر اعتبار بی بی سی گره های عقده های درونی سیاسی ۲۰ ساله اش را در روز تقبیح هفت ثور باز کرد.

جای تاسف اینست که این صاحب نظر سیاسی شکست خورده زمانیکه از عدم استقلال افغانستان در آن زمان صحبت بعمل میآورد فراموش میکند که در عصر کنونی بنابر عدم خود کفایی اقتصادی - نظامی کشورهای جهان سوم مسله استقلال ملی و بین المللی حقیقت جهان معاصر نیست .

جالبتر از همه اینکه سرزنش و تقبیح هفت ثور در جمع خود اعضای حزب وطن یک معمول ( مورد روز ) گردیده است که هر کدام خود را با دموکرات جلوه دادن خود، حوادث آن زمان را مورد

تقبیح کور کورانه قرار میدهند، در حالیکه این موضوع در خود جامعه غرب از دو موضع مورد بحث قرار میگیرد .

اول از نظر حلقه‌ها حاکم جامعه غرب که اقلیت مطلق بشمار میروند - روند دموکراسی در غرب را فرهنگ سیاسی افتخار غرب معرفی میکنند و حلقه دوم اکثریت عظیم و حلقه‌ها محکوم و روشنفکر جوامع غرب اند که بیشتر انسانی ، واقعی و حقیقی می اندیشند و دموکراسی در غرب را آله دست نظام سرمایه داری معرفی کرده و آن را عامل اصلی عقب نگهداری و سرکوب نهضت های متری در کشورهای جهان سوم میدانند.

به هر صورت !

۷ ثور از زمان سقوط حزب وطن تا اکنون همه ساله از طریق مطبوعات غرب برای افغانستان و مطبوعات جهادی به اصطلاح دموکرات داخل افغانستان به مثابه یک روز سیاه تقبیح میشود و بر اساس تخصص تبلیغات جهان غرب مبلغین این روز هم همان اعضای فرصت طلب خود حزب وطن میباشدند که با استدلال های تیوریکیشان هفت ثور را محکوم میکنند.

تحلیل گران و ریش سفیدان سیاسی درونی خود ح - د - خ - ا - یا به اصطلاح هواخواهان جوان دموکراسی امروزی غرب زمانیکه به تحلیل حوادث سی سال گذشته میپردازند تحلیل زمان و مکان حوادث آن زمان را از زوایا و دیدگاه های امروزی جوامع غرب مورد انتقاد قرار میدهند. در حالیکه خوب به یاد داریم که مطبوعات و سیاستمداران غربی آن زمان از قصر سفید تا نمبر ده لندن اولین اتهام که علیه ۷ ثور وارد میگرددند همان بازی کفر و اسلام بود نه اعتراض بر برنامه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکومت و حزب خلق در افغانستان .

در پایان میخواهم که به رهبران سترگ و اتشین خود صرفاً یک نکته را یاد اور شوم که اگر رفقای معتاد به کرسی های قدرت ما فکر میکنند که با تقبیح گذشته خود راه های جدید به اغوش غرب را پیدا خواهند کرد من فکر میکنم که این خیال است و محال است و جنون ..